

تحلیل نگاشت آیت الله اعرافی

(پیرامون اغتشاشات، وقایع اخیر و وضعیت فرهنگی - اجتماعی کشور)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

(احزاب/۲۲)

تجلی انقلاب اسلامی

تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی دیدگاه عموم متفکرین، نویسندگان و فیلسوفان غربی، اذعان به پایان عصر دین و دینداری و یا پایان دین سیاسی و اجتماعی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی این موازنه به هم خورد و ایده های جدید و تئوری های علمی نو مبتنی بر نقش دین و معنویت در تدبیر امور جامعه رخ نمایی کرد.

اما در یک نگاه تمدنی و فرا تاریخی، حرکت انبیای الهی و وارثان و پیروان راستین آنها، برخاسته از شناخت خدا و پیام او و از طریق تبیین و تبلیغ معارف الهی و در نهایت إقامة دین در جامعه، تا تجلی تام کلمه حق به پیش خواهد رفت؛ حقیقتی که پس از ظهور اسلام عزیز و نبوت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به عنوان خاتم ادیان الهی، نمود و گسترش ویژه ای یافت و پیشرفت پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله، مستند به علل و عواملی بود که نخست علم، حکمت و عقلانیت، دوم اخلاق، ادب و نظام اخلاقی و سوم نظام سیاسی الهی مردم سالار، جهاد و مقاومت اسلامی در برابر ستم و استکبار، مهم ترین مؤلفه های آن بودند که باعث درخشش اسلام شدند و بر همین اساس، با برنامه ریزی و فکر نو، یک تمدن جدید با سرعت در عالم انتشار یافت، به گونه ای که اکنون یکی از مهمترین گفتمان های زنده و تاثیرگذار عالم است.

انقلاب اسلامی نماد معاصر همان حقیقت واحد فراتاریخی است که باذن خدا در زمان های مختلف و به دست ابرمردان تاریخ ساز، تجلی می نماید. انقلاب اسلامی تنها یک انقلاب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نبود، بلکه انقلابی بود که در اعماق فکر و معرفت بشر تغییرات بنیادین ایجاد کرد و نرم افزار تفکر بشر را متغیر ساخت.

دستاورد‌های ملی و بین‌المللی انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌های مادی و معنوی چنان پر افتخار است که هر انسان منصفی می‌تواند با اندک توجهی در آموزه‌های اسلام، فهرستی عظیم از خدمات علمی، آموزشی، بهداشتی، درمانی، حقوقی، شهرسازی، نظامی، اقتدار منطقه‌ای، کرامت انسانی و... را به دست دهد و رشد در بیش از یکصد شاخص اساسی، نشانه‌ای از عظمت انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت رشید و بزرگ ایران است.

حوزه و روحانیت در بستر تاریخ

حوزه علمیه، شجره مبارکی است که غرس آن در عصر حضور معصومان علیهم السلام اتفاق افتاده است. نام‌های بزرگی مثل شیخ صدوق، شیخ طوسی، ابوعلی سینا، خواجه نصیر الدین طوسی، شیخ بهایی، غیاث‌الدین کاشانی، علامه حلی، مولی‌مهدی و ملا احمد نراقی، شیخ انصاری، آیت الله بروجردی، علامه طباطبائی و امام خمینی رضوان الله تعالی علیهم، برخی از ستارگان پرفروغ فرهنگ و تمدن اسلامی و پرورش یافتگان حوزه‌های علمیه هستند و بسیاری از شاخه‌های دانشی بشر معاصر چون فقه، اخلاق، حدیث، تفسیر، قرائت و... اساساً متولد حوزه‌های دینی اند و بسیاری دیگر نیز گرچه پیشتر وجود داشته‌اند اما با تلاش عالمان دینی بود که به اهداف و کمال خود رسیدند و امروزه تصور هر یک از علوم، چون هندسه، نجوم، شعر و ادب، ریاضیات، فلسفه، تاریخ، طب و بهداشت و... با نام یکی از علمای حوزه‌های علمیه تنیده شده است. از این رو است که می‌توان تا حد زیادی هویت انسان ایرانی را بر ساخته‌ای از تاریخ حیات علمی، مبارزات اجتماعی و سیاسی، ارتباطات مردمی و مجاهدت‌های عالمان دین و تربیت دینی حوزه‌های علمیه دانست.

منحنی حوزه علمیه قم نیز در دوره بیش از هزار ساله از پیدایی اش، فراز و فرودهای فراوانی داشته است و گاهی آن قدر با شکوه بوده که بیش از هزار عالم دینی، محدث، راوی، فقیه و... را در خود جای می‌داده و گاهی به خاطر شرایط زمانی، سیاسی و اجتماعی، فرود پیدا می‌کرد اما هیچ‌گاه خاموش نبوده و قریب به صد سال قبل توسط حضرت آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری ره باز تأسیس شد و ادوار مهمی را پشت سر نهاد. دوره نخست که از فروردین ۱۳۰۱ و با محوریت مرحوم موسس که خود سه حوزه فکری سامرا، نجف و کربلا را به خوبی درک کرده بود، آغاز می‌شود. شاخصه مهم این دوره که مصادف است با پایان عصر قاجار و آغاز دوره تاریک پهلوی اول، ظهور ابتکارات و ابداعات فقهی و اصولی است و در این دوره است که حرکت‌های اصلاحی حوزه علمیه در ساحت اجتماعی به صورت جنبش‌های مجاهدانه مردمی رخ‌نمایی می‌کند.

دوره دوم یا عصر آیت الله العظمی بروجردی ره که همزمان با عصر تاریک ستم شاهی است که امیدها را در قلب دانشمندان و آزادی خواهان کشته و آینده ایران بزرگ را تباہ کرده بود، حوزه علمیه قم به پناه گاهی برای مردم ستمدیده، دانشمندان و فرهیختگان فکری و فرهنگی تبدیل گردید و با تلاش این مرجع بزرگ و بذل جهد عالمان دین، کتابخانه ها ساخته و ارتباطات بین المللی تقویت و بزرگان روشن ضمیری به نقاط مختلف دنیا اعزام می شوند و در سایه تلاش این مرجع، خط و زبان پارسی از تعرض مصون می ماند و ایشان مانع از تکرار حادثه تلخ اضمحلال و نابودی خط و زبان ترکیه، در ایران می شوند.

در دوره سوم، حوزه علمیه با زعامت حضرت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع بزرگ و در سایه نو آوری های دامنه داری که در فقه و اصول، حکمت و تاریخ و فلسفه های مضاف رخ داده بود و اندیشه سیاسی متناسبی با آن عصر و زمانه را پدید آورده بود، ساختاری تشکیلاتی به خود گرفت و با شکل گیری هسته های مردمی، هیأت های مذهبی، انجمن ها و تشکل های اسلامی، نقش آفرینی عالمان دین و ملت ایران وارد عرصه های حاکمیتی و مقابله نظام مند با استبداد و خفقان داخلی و استعمار و خط الحاد خارجی گردید.

در ادامه این مسیر، با ظهور تربیت یافتگان مکتب قم، فرزاندانی چون شهید بهشتی، شهید مطهری و چهار هزار شهید روحانی، ادامه دهنده طریق هدایت و شهادت در راه خدا شدند. این دوره را باید عصر نوزایی ایران معاصر دانست. دوره ای که با جانفشانی علما و جهد لایتوقف حوزه های علمیه در کنار مردم جان بر کف و عاشقان حریم امامت و ولایت، هجوم همه جانبه نظامی کشورهای مختلف با میدان داری رژیم بعثی صدام، شکستی مفتضحانه خورد، جنگ های پارتیزانی و نا امنی های منطقه ای پشت سر گذاشته شد، کودتاهای بسیاری نافرجام ماند، فتنه ها و آشوبهای مختلفی با تدبیر امامین انقلاب و همراهی امت، به سند افتخار ایران اسلامی تبدیل شد. در همه این وقایع حوزه های علمیه، مراجع عظام، اساتید و طلاب علوم دینی پیشگام و پیشرو هستند.

حوزه قم، نهادها و موسسات حوزوی و نیز حوزه های علمیه ایران و نجف، در دهه های اخیر، برغم همه دشواری ها و تنگناها، قله های بلندی را فتح و افتخارات بزرگی آفریدند و پیشرفت های علمی، معرفتی و اجتماعی ارزشمندی را رقم زدند و حوزه قم چونان کانون جوشانی در تولید و توسعه علوم و معارف اسلام و خلق نظریه های مهم اجتماعی و سیاسی و بارورسازی اندیشه های انقلاب و نظام اسلامی و نیز در عرصه های فعالیت های فرهنگی و تبلیغی و خدمت خالصانه به مردم عزیز و شریف ایران و امت اسلامی، گام های بزرگی برداشته است.

این همه با پشتیبانی ملت بزرگ ایران، هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی دام ظلّه و مراجع عظام دامت برکاتهم و مساهمت سایر نهادها، مراکز علمی و دانشگاه ها رقم خورده است.

حوزه علمیه در دهه حاضر

حوزه علمیه در دهه ی حاضر که آغاز گام دوم انقلاب اسلامی است و چالش های بین المللی در برابر ایران مقتدر و انقلاب قدرتمند، چهره عوض کرده اند، در کنار مردم و نخبگان ایستاده و گام های بلندی را برای بازطراحی درختواره دانشی علوم، نظامات آموزشی، گسترش هدمند رشته های علمی، کارویژه های تخصصی حوزه و روحانیت، خدمات اجتماعی حوزه ای، کنش گری رسانه ای و حضور موثر بین المللی برداشته است به گونه ای که صدها حوزه علمیه، مملو از جوانان خواهر و برادر با نشاط علمی و امید به آینده و حس مسئولیت پذیری در خدمت به دین و مردم در حال فعالیت هستند و ده ها مرکز آموزش عالی و تخصصی، ده ها پژوهشکده و پژوهشگاه که در حال پاسخ گویی به چالش ها و سوالات مردم سراسر ایران و جهان و تولید نظریه اسلامی برای حل مسائل نظام هستند و نیز پذیرش و میزبانی از هزاران دانش پژوه علوم دینی از بیش از یکصد کشور جهان، برش مختصری از خدمات و فعالیت های نوید بخش حوزه های علمیه مردمی است و نهادهای مهمی مانند جامعه المصطفی، حوزه های خواهران، دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز خدمات حوزه های علمیه، جامعه الزهراء و دیگر نهادهای علمی، فرهنگی و اجتماعی، برگ های درخشانی از عرصه های حضور و فعالیت حوزه های علمیه برای خدمت به مردم ایران، امت اسلام و بشریت معاصر به شمار می آیند.

خدمات اجتماعی مراجع معظم و حوزه های علمیه در راستای کار آفرینی، تأسیس صندوق های قرض الحسنه، ساخت بیمارستان ها، پل ها، خانه های بهداشت، مدارس و دانشگاه ها، تأمین ملزومات تحصیلی، تکفل ایتم و... بخش کوچکی از حمایت های متقابل و همراهی های روحانیت و مردم بوده است. اما در این میان حضور مستقیم روحانیت در دفاع از میهن در جنگ تحمیلی، دفاع از حرم، مقابله با آسیب های ناشی از سیل و زلزله و در یکی از بارزترین نمونه ها، نبرد با بیماری منحوس کرونا، نشانه ای از عمق باور به مردم و خیرخواهی مومنانه عالمانی دارد که عباى خود را فرش پای مردم و عمامه شان را نماد عقلانیت، خدمت و مبارزه برای خدا می دانند.

بدون شک این روحانیت شیعه بود که توانست با همراهی ملت رشید ایران، بزرگ ترین حرکت ضد استعماری قرن را به منصف ظهور برساند و در یک نگاه فراگیرتر می توان گفت که بسیاری از حرکت های آزادی خواهانه و اصلاحات اجتماعی قرون اخیر با میدان داری و نقش آفرینی علمای دین محقق شده و خشونت زایدالوصف، ترور، تهدید، تبعید و زندان از سوی دولت های استبدادی نتوانسته مانع از حرکت و پیشرانی عالمان شیعه برای نجات امت ها از دست دژخیمان باشد. حوزه علمیه که او را به حق مادر انقلاب اسلامی می خوانند، به عنوان ناصحی امین، حمایت، هدایت و مجاهده برای انقلاب اسلامی و ارزش های والای انسانی آن را وظیفه ذاتی خود می داند و البته حوزه های علمیه، در ادامه ی مسیر انقلاب اسلامی، ضمن استخراج و استنباط راهبردهای دینی، نظام معرفتی و اندیشه ای تمدن اسلامی را مطرح نموده و با ایجاد نظامات علمی و تربیتی تراز جامعه اسلامی، در جهت تحقق تمدن الهی، اقامه دین در همه ی ارکان جامعه را پی خواهد گرفت.

جنگ ترکیبی

همچنان که انقلاب اسلامی و ندای اخلاق، معنویت و کرامت برخاسته از مکتب اهل بیت علیهم السلام، فروزان تر از گذشته به پیش می رود و هر روز افق های جدیدتری را فتح می کند و به رغم خواست جبهه ی استکبار، به قدرت و بازیگر مهم منطقه و از موثرین جدی مناسبات بین المللی تبدیل شده، به حدی که مانع تحقق رویاهای پریشان نظام سلطه بر علیه جهان اسلام گردیده است.

طاغوت و نظام سلطه، جنگ های مختلفی را در جبهه های متنوعی همچون تجزیه طلبی، ترور شخصیت ها، خشونت های خیابانی، حمله مستقیم نظامی، جنگ اقتصادی، تهاجم فرهنگی - رسانه ای و... بر این مردم و میهن تحمیل کرده که بفضل خدای متعال در همه آنها نیز طعم شکست را چشیده است.

در دو دهه اخیر الگوهای مواجهه دشمن با حکومت ها و ملت های مستقل دچار تغییراتی گردیده که عموماً بر فروپاشی از درون مبتنی بوده است. در این شیوه که به جنگ هوشمند، ترکیبی و چند ضلعی شناخته می شود، همه ابزارهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به عنوان شتاب دهنده هایی برای پیروزی در جنگ به کار گرفته می شوند اما رویکرد اصلی ایجاد اختلال در قوای شناختی بدنه مردم و شکل دهی خطاهای راهبردی در سیاست گذاران از طریق تصمیم سازی های غلط برای ایشان، به واسطه بهره برداری حد اکثری از ابزارهای نوپیدا مانند فضای مجازی، شبکه های اجتماعی، رسانه های غیر رسمی، بازی های موبایلی و... است. هدف اصلی جنگ ترکیبی براندازی و فروپاشی از درون است که با استفاده از ابزارهای پیش گفته و به واسطه فروریختن

ارزش های اصیل اجتماعی، تغییر گفتمان های فرهنگی، ایجاد خلأ تمدنی و ارتباطی بین نسل ها، ایجاد، گسترش و تعمیق شکاف بین مردم و حاکمیت، تغییر گروه های مرجع، قطع رابطه و تعلق خاطر نسل های نو با نسل قبل، آداب و رسوم و سنن ملی و مذهبی صورت می پذیرد. پیشران اصلی جنگ ترکیبی و همه جانبه ای که بر علیه ایران در حال انجام است، جنگ شناختی و ادراکی است. مهم ترین مولفه های اصلی جنگ ترکیبی کنونی عبارتند از:

۱. تلاش برای فروپاشی مبانی فکری، اعتقادی، اخلاقی و الهی، اسلامی و ایمانی ملت ایران و به ویژه نسل جوان؛
۲. استمرار تهاجم اقتصادی از طریق تشدید تحریم ها، تلاش برای کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و گرانی و تحمیل و عهدشکنی در برجام و ایجاد موانع متعدد بین المللی در انتفاع اقتصادی مردم ایران؛
۳. ایجاد، تعمیق و گسترش گسل های اجتماعی، فرهنگی، قومیتی، مذهبی، زبانی، سیاسی و... به منظور فروپاشی انسجام ملی، وحدت توحیدی و یکپارچگی و ایجاد تشتت و واگرایی بین مردم با صلابت ایران بزرگ؛
۴. احیای مجدد و تطهیر گروه های تروریستی منفور و رانده شده مانند منافقین، کومله، سلطنت طلبان و...؛
۵. حمایت حداکثری از صدام های عربی- عبری و برخی پادشاهی های مرتجع منطقه ای و دولت های وابسته و غیر مردمی برای پشتیبانی از حرکت های افراطی و خشونت طلبانه بر علیه انقلاب اسلامی و در داخل کشور؛
۶. نا امن سازی منطقه ای و تولید بحران های مرزی با ایجاد فشار، تهدید و تحریک برخی از کشورهای همسایه؛
۷. ساخت قدرت های شیطانی و گرو های تروریستی جدید در منطقه چون داعش، جند الشیطان، جیش الظلم، حرکه النضال و...؛
۸. فعال سازی برخی از مجامع بین المللی برای ایجاد کارزار و تقویت فشار حداکثری بر علیه ملت مظلوم و مقتدر ایران اسلامی، در حالی که این مجامع اساساً برای آن تأسیس شده اند که تا حامی حق و حقیقت و ضامن استیفای حقوق دولت ها و ملت ها در برابر دول زیاده خواه باشند، اما امروزه خود به ابزاری برای اعمال زور و تهدید و گسترش ظلم، سلطه و یکجانبه گرایی تبدیل شده اند؛
۹. تحریف تاریخ و تلاش برای بازنمایی دروغین و تطهیر حکومت خون ریز، دیکتاتوری، مردم ستیز و مزدور پهلوی؛

۱۰. تلاش برای بزرگ نمایی کاستی ها و ایجاد اتهامات ناروا و جعل اخبار کذب و پنهان سازی، انکار و یا تقلیل دستاوردهای عظیم و مبهور کننده ملت بزرگ ایران در عصر انقلاب اسلامی جهت القاء ناکارآمدی و ایجاد یأس؛

۱۱. ایجاد آشوب ها، اغتشاشات، نا امنی ها و... به منظور راه اندازی جنگ های شهری و خیابانی شبیه به اقدامی که در سوریه و برخی از کشورهای منطقه رخ داده است با ایجاد پرونده های ساختگی و سوء استفاده از برخی رخدادهای اجتماعی و یا مصادره اعتراض های آرام، مسالمت آمیز و منطقی مردمی؛

۱۲. قبح زدایی و تشویق به تجزیه طلبی بین اقوام و استان های مرزی و قداست زدایی از اخوت و برادری و تقلیل حس ایران دوستی، نوع دوستی و وطن دوستی؛

۱۳. تلاش ناکام به منظور تغییر ذائقه و امیال و آرزوهای جوان ایرانی و کوشش به منظور فاصله انداختن بین او و ابرقهرمانان مذهبی و ملی و جایگزین کردن آنها با قهرمانان ساختگی و مظاهر تمدن غربی؛

۱۴. عادی سازی بی عفتی، دوری از حیا و ادب تاریخی ایرانی، اسلامی به منظور در هم شکستن مرزهای اخلاقی، تغییر شکل خانواده ها، ایجاد نسلی بدون تعلق و عرق ملی، مذهبی، خانوادگی و عاطفی و فاقد قدرت تحلیل و اراده مقاومت که بستری مهیا برای هرگونه سوء استفاده و به بردگی کشیده شدن خواهد بود؛

۱۵. ایجاد شکاف تصنعی بین مردمی ترین حکومت منطقه و ملتی که با دهه ها نبرد و ایثار آن را بنانهاده اند به واسطه پشتیبانی مالی و لجستیکی ائتلافی از دژخیم عبری و ارتجاع عربی که اتفاقا ذائقه مردم مظلوم آن کشور استبدادی تجربه هیچگونه مشارکت مدنی و نقش آفرینی در تعیین سرنوشت خویش را نداشته اند؛

۱۶. هجوم بسیار پر حجم رسانه ای با فعالیت صدها شبکه تلویزیونی و ماهواره ای، سکوها و ابزارهای فضای مجازی، ربات ها و تروریست های سایبری، بازی های رایانه ای و موبایلی هدفدار، مجموعه فیلم ها، شخصیت سازی های داستانی، انیمیشن ها و... به منظور تغییر محتوای فرهنگی و ایجاد اختلال در نظام ارزشی و شبکه ادراکی کودک، نوجوان و جوان ایرانی؛

بدون تردید باورسازی غلط و ایجاد اشتباه محاسباتی، سستی آفرینی در اراده مردم و مسئولان و نهایتا بدبینی و ناامیدی از انقلاب اسلامی و خوش بینی و امید بستن به نظام سلطه غایت الغایات این جنگ همه جانبه است. آنچه که همه ما، مردم و مسئولان و به ویژه روحانیت معزز باید بدان توجه داشته باشد این است که این جنگ

أحزاب گسترده نه تنها حاکی از توان و قدرت دشمن نیست بلکه نشانه ضعف و انفعال او است. نظام سلطه و استبدادی که در همین ایران قبل از انقلاب با اشاره یک سفیر، دولت جابجا می کرد یا قراردادهای خفت بار به حاکمان تحمیل می نمود و یا به دلیل سرسپردگی و خیانت درونی شده حکومت پهلوی، با عناوین مضمزکننده مثل "عروسی بود که شوهرش دادیم" بخشی از وطن و پاره تن میهن را جدا و این پیکر عظیم را قطع عضو میکرد، اکنون در برابر انقلاب پر صلابت ایران اسلامی مجبور شده تا همه توان خود را ناباورانه به صحنه بیاورد و شرارت آفرینی هایی را مرتکب شود که باعث عربان شدن چهره زشت نظام سلطه گشته و صدای آگاهان جوامع غربی را نیز در آورده و در آینده نزدیک ملت های آزادی خواه را بر علیه آنها خواهد شورانید. معنای آغاز جنگ ترکیبی، شکست در تمامی تهاجمات قبلی و ناکارآمدی طرح ها و نقشه های شوم و پرهزینه دشمن است دشمن می کوشد تا در اوج ذلت و زبونی احساس قدرت را القاء کند و در بدنه جامعه و نظام ما که در اوج اقتدار و توانمندی است، حس ضعف و ناتوانی پدید آورد. تاریخ نشان داده هر موقع که دشمن، با تمام توان در یک جنگ نابرابر بر علیه ما صف آرایی کرده، إرادۀ ملت راسخ تر، مجاهده مسئولان بیشتر و از همه مهم تر، امداد الهی بی حد و حصر سرازیر گشته و بدون شک و بر اساس سنت الهی که به جامعه ایمانی وعده فرموده است: "الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ"، به زودی شکست مفتضحانه تر و بزرگ تری نیز در فردای این جنگ ترکیبی برای آنها رقم خواهد خورد. إن شاء الله.

وظیفه و رسالت ما

مسئولان

۱. تقویت هوشمندانه ی حس اقتدار، امنیت و بازدارندگی در برابر نظام سلطه و امید به پیشرفت و حل مقتدرانه ی مشکلات، باتوجه به اینکه یکی از اهداف اصلی دشمن از اغتشاش و حملات کور به مردم بی پناه، در کنار کشته سازی و خشونت پراکنی، تلاشی نافرجام برای قتل عام شجاعت، امید به آینده و روحیه مقاومت ملت عظیم الشان ایران بوده و همچنان بر آن پافشاری دارد.

۲. در بین همه دستگاه ها، شوراها و نهادهای مصوب و مدون نظام، لازم است سطوح و رده های فرماندهی فرهنگی - رسانه ای و برنامه ی جامع عملیات، متناسب با آرایش تهاجمی دشمن، شفاف، مرحله مند و دارای قابلیت بازخوردگیری، ارزیابی و ارتقاء، تعیین و ابلاغ گردد که البته اقداماتی آغاز شده است ولی قطعاً کافی نیست.

۳. حکمرانی در فضای مجازی و اقتضائات آن به درستی درک و جدی گرفته شود و زیرساخت های کنش گری در سطح ملی سریعاً ایجاد یا حسب مورد، داشته های فعلی ارتقاء و حمایت واقعی گردد و به تناسب آن، ظرفیت هایی که در اختیار تهاجم دشمن بوده اند، پاسخ گو یا به نحو مقتضی تدبیر گردند.

۴. عمل به مَرّ قانون و شفافیت در اطلاع رسانی از اقدامات و برخورد قاطع قوای سه گانه با نارسایی ها، فسادها و ترک فعل های احتمالی که همواره از مطالبات مستمر رهبری معظم مدظله العالی، مراجع عظام دامت برکاتهم و مردم شریف بوده است و انتظار می رود با قاطعیت و سرعت بیشتری صورت پذیرد.

۵. عمل واقعی و میدانی به سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، از اقداماتی است که ضرورت دارد، تحت هر شرایطی و با جدیت پیگیری و مستمراً گزارش گردد.

۶. همه ی مسئولان ارشد کشور به ویژه قوه مجریه به مطالبات بر حق مردم، مقام معظم رهبری و نخبگان، خارج از هرگونه تشریفات، توجه مضاعف داشته و زمینه گفتگو و مطالبه مردمی در نهادها و سازمان ها و دوایر دولتی به نحوی که به اقدام مطلوب یا پاسخ قانع کننده بیانجامد، فراهم گردد.

۷. افزون بر ضرورت رسیدگی به همه پرونده های فساد و نیز معالجه همه فرایندهای فساد آفرین توسط قوای سه گانه کشور، فوریت و ضرورت اطلاع رسانی دقیق، شفاف و اقناع افکار عمومی، مدنظر قرار گیرد.

۸. پاسخ گویی، توجیه و اقناع همه جانبه افکار عمومی، صیانت از سرمایه های اجتماعی اسلام، انقلاب اسلامی و ایران مستقل و سرافراز و تعمیق پایه های مردم سالاری دینی بمتابیه الگوی جدید و جذاب حکمرانی با محوریت عدالت در جهان معاصر، از مهم ترین وظایف دستگاهها، نیروها و نهادهای نظام اسلامی است.

۹. مراقبت هوشمندانه نسبت به گسل های اجتماعی و تلاش برای التیام و آرامش در همه ی قلمروهای مستعد تنش و التهاب از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱۰. لازم است شناسایی و میدان دادن به جوانان متخصص، فرهیخته و انقلابی در کنار حفظ و ارتقای روحیه جهادی و تلاش و خدمت شبانه روزی در صدر برنامه ها، مورد توجه باشد.

مردم

۱. جمهوری اسلامی ایران ثمره مجاهده ملتی است که تا پای جان بر آرمان خویش با امام راحل ایستاد و کاخ فساد و تباهی را سرنگون و دست ناپاک اجنبی را از خاک و ناموس این ملت کوتاه کرد و این حقیقت عنصر قوام بخشی است که بدون آن انقلاب و جمهوری اسلامی معنایی نخواهد داشت.

۲. پدید آوردن و به ثبات رساندن انقلاب اسلامی در تعامل بین سه عنصر امامت، مکتب و امت میسر گردیده و بدون هر یک از آنها شکل حاکمیت هرچه که باشد، نظام اسلامی نخواهد بود. این حرکت بزرگ که امروزه الگویی برای محرومان و ستمدیدگان عالم است، زمانی به نتیجه ی مطلوب - که زمینه سازی حاکمیت عدل الهی بر جهان است - خواهد رسید که مردم هم چنان حامی و نگاهبان این ودیعه الهی باشند.

۳. ایمان و غیرت دینی، برکات بزرگی چون ایثار، مواسات مومنانه، شهادت طلبی، خستگی ناپذیری، امداد الهی را به ارمغان آورده، موفقیت های عظیمی را به ثمر رسانده و رمز پیروزی در جنگ تحمیلی، تجزیه طلبی ها، کودتا ها، کرونا و... بوده است. جنگ ترکیبی پیش رو نیز، با حضور مؤثر و غیرتمندانه مردم عزیز در میدان، در برابر شبهه ها، پرسش-ها، هنجارشکنی ها و جسارت ها به ساحت قرآن و اهل بیت علیهم السلام و اینکه هر فردی به تناسب توان، خویش را مومنی باورمند و مسئول در قبال خود و خدای خود بداند، به زودی پایان خواهد پذیرفت و موانع اقتصادی و فرهنگی از پیش پای ملت برچیده خواهد شد.

۴. توجه به این نکته ی بسیار مهم که ارتقای بردباری، تحمل یکدیگر و احترام متقابل در شرایط پیش آمده، به منظور تقویت همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی، باطل السحر بسیاری از حيله ها و کيدهای دشمنان است.

۵. امید آفرینی و روحیه دادن به یکدیگر و به اشتراک گذاردن موفقیت ها و تجارب ارزشمند و شریک کردن دیگران در فرصت هایی برای زندگی اخلاقی و معنوی بهتر و معیشت شیرین تر، از اقداماتی است که بدون تردید، پیشرانی برای تحولات و پیشرفت ایران عزیز خواهد بود.

۶. توجه به گفتگوی کریمانه با اعضای خانواده، بستگان، همسایگان و همکاران بویژه نسل نوجوان و جوان، همراه با بذل محبت و ارتقای سواد رسانه به منظور تشخیص روایات ساختگی و مجعول از وقایع حقیقی و پرهیز از بازنشر اخبار و محتواهای آسیب زا و غیر واقعی، مانع از فرو غلطیدن ما و عزیزانمان در دام رسانه ای دشمنانی خواهد بود که آرزویشان ناکامی و ناشکفتگی و رنج این ملت سربلند است.

حوزه و روحانیت

۱. حوزه های علمیه در طول تاریخ ملجأ و پناه مردم و تکیه گاه مظلومان و ستمدیدگان بوده و چنین نیز خواهد بود. روحانیت در حیات پر از رنج، ایثار، خدمت، معنویت و مردم داری خویش، نشان داده که برای اقامه حق سر از پا نمی شناسد و آبرو و جان خود را در این راه بذل کرده و خواهد کرد. حوزه ی علمیه البته بیدار است و چون همیشه با تشخیص درست، جانب حق را شناخته، در کنار آن خواهد ایستاد و همه و هیاهوی احزاب و سحر ساحران باعث مرعوب شدنش نخواهد شد و صدای همیشگی و رسای مردم و حقیقت خواهد بود.

۲. مطالبه گری منصفانه همراه با درک مقتضیات و مقدرات کشور از وظایف قطعی حوزه های علمیه است. حوزه و روحانیت با تبیین درست و نظریه پردازی عالمانه، تکالیف و مسئولیت های متقابل ملت و حاکمیت را بیان و برای تحقق آنها مطالبه می نماید. همچنانکه علمای بزرگ، ائمه جمعه و جماعات، خطبا و وعاظ، مردم را برای عمل به تکلیف الهی در حمایت و پشتیبانی از نظام اسلامی فرا می خوانند، وظیفه خود می داند که از متولیان امر و مدیران اجرایی، تقنینی و قضایی، مطالبه گری کند و در برابر قصورها و تقصیرهای احتمالی، بی عملی ها و ترک فعل ها پاسخ بطلبد. بر این اساس لازم است مراکز حوزه ای بر اساس کارویژه های تخصصی و با رعایت قواعد و اصول کلی، غلم مطالبه گری و پاسخ گوسازی را به دوش کشند تا این شعار اصولی و تاریخی انقلاب اسلامی به دست نا اهلان نیافتد.

۳. انقلاب اسلامی حقیقتی پویا و بالنده است که ضرورت دارد تا در هر دوره ای به اقتضای مناسبات فکری و فرهنگی و ملی و بین المللی، تفاسیر و خوانش های متناسب با نیاز جامعه را به دست دهد. از این رو لازم است با همکاری مراکز پژوهشی حوزه ای سلسله نشست های تخصصی و عمومی برای بازتیین معارف اسلام و دستاوردهای مکتب اهل بیت علیهم السلام و انقلاب اسلامی طراحی و اجرا گردد و از سوی حوزه و روحانیت و با همکاری نهادهای متولی در سطح نظام بازنمایی هنرمندانه یابد.

۴. سرمایه اجتماعی و مقبولیت مردمی حوزه و روحانیت، امانتی بسیار با ارزش و پر اهمیت است که در اثر جان-فشانی ها، اینارها و مجاهدت های بزرگان جهان اسلام از یاران همراه حضرات معصومین علیهم السلام گرفته تا دوره نیابت خاص در عصر غیبت صغری و نیابت عام در غیبت کبری، به دست آمده است و بر این اساس صیانت و ارتقای آن، بر حوزه و روحانیت واجب است و ضرورت دارد طلاب و فضلالی گرامی - با توجه به این اصل، - از هرگونه رفتار و کنش ناروا، اقدام رسانه ای یا بیان سخن نسنجیده، ترک فعل و سکوت ناصواب پرهیز نموده و ضمن مشورت با بزرگان و زعمای حوزه، در راستای تقویت اسلام عزیز، انقلاب و نظام اسلامی، تشخیص درستی از تکلیف خود را یافته و بر احتیاط و خرد تحفظ کنند.

۵. سیاست حضور و کنش‌گری فعال به جای انفعال و نگاه ایجابی به جای سلبی و جذب حداکثری از سیاست‌های اصولی حوزه علمیه در پیدایی انقلاب اسلامی، دوام و استمرار و تقویت و تبلیغ جهانی این موهبت عظیم بوده و باید پاس داشته شود و این مهم جز با ابتکار و ایده‌پردازی، جدی‌انگاری و وقت‌گذاری به دست نمی‌آید. در همان اوایل انقلاب نیز ابتکارات امام خمینی ره در تاسیس شیوه‌ها و نهادهای بی‌سابقه‌ای که در حکومت‌های دیگر تجربه آنها وجود نداشت، راه‌گشای بن‌بست‌هایی بود که با محاسبات عادی قابل‌گذر نبودند. امروزه نیز زمان آن است که هر فردی از روحانیت، به میزان وسع و توان خویش، با ابداع و خلاقیت و به دور از انفعال و تردید و دودلی، تلاش کند و یقین بداند که: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.**

۶. ارتباط عمیق و گسترده با مردم و جوانان و هدایت و حمایت فکری و فرهنگی آحاد جامعه، تکلیفی ساقط‌نشده‌ای است و لذا ضروری است تا همه‌ی طلاب، اساتید و فضلاء گرامی با آمادگی کامل، به تناسب ظرفیت، مهارت و دانش خود، سهم و برنامه مشخصی را برای ارتباط‌گیری و تبیین در فضای پیرامونی خود تعریف کنند. نسبت به نوجوانان، جوانان، اقوام، دوستان، همسایگان و همسالان خود طرحی مبتکرانه داشته باشند و سوالات و گره‌های ذهنی ایشان را پاسخ دهند. از سوی دیگر لازم است مراکز و دستگاه‌های ذی‌ربط و همه بخش‌های مدیریت حوزه در اسرع وقت پشتیبانی‌های لازم محتوایی را در اختیار قرار دهند.

۷. توجه به ارتقای دانشی، گرایشی و مهارتی طلاب، فضلا و اساتید به ویژه ناظر به مسائل اخیر، از دیگر اقداماتی است که ضروری است از سوی همه بخش‌ها در سراسر کشور به سرعت پیگیری و با مساهمت اساتید معزز اجرایی شود و طلاب عزیز نیز تحقق آن را پیگیری نمایند.

۸. تولید روایت صحیح توسط مراکز حوزه‌ای، در کنار تولید پیوست رسانه‌ای برای همه کلان‌اقدامات در خصوص حوزه و روحانیت در برابر روایت پرحجم و سریع دشمن و تلاش همه جانبه تمام بخش‌های حوزه جهت تبدیل شدن روایت صحیح به روایت مقبول، سرخط همه‌ی اقدامات رسانه‌ای حوزه‌های علمیه در مقابل تهاجمات و عملیات رسانه‌ای علیه معارف اسلامی، مکتب اهل بیت علیهم السلام و انقلاب اسلامی خواهد بود.

۹. تقویت ارتباط و تعامل فعال با مراکز علمی و فرهنگی، بویژه دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش و نیز با هنرمندان و اصحاب فرهنگ و ورزش، مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. تقویت شعائر اسلامی و حضور موثر در پایگاه های مساجد و تبلیغ چهره به چهره به صورت جدی پی گیری و اقدام شود.

۱۱. تقویت اندیشه ی وحدت و تمدن اسلامی و تعامل سازنده با علمای پرهیزکار، اندیشمندان و پیروان مذاهب اسلامی نصب العین قرار گیرد.

۱۲. اقدام فعال، خستگی ناپذیر و استمرار حرکت برنامه ای و نظام مند بر اساس برنامه پنج ساله و برش های استانی و شهرستانی به منظور تحقق و نیل به اهداف برنامه مجدانه لحاظ گردد. وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

علی رضا اعرافی

مدیر حوزه های علمیه

قم مقدسه